

اخلاق و موزه

معصومه رضوانی دهآقانی^۱

فصل سوم از کتاب «اخلاق موزه» نوشته گری ادسون^۲

مسئولیت اخلاقی، مسئولیت شخصی است. یک گروه تا زمانی که اعضای آن، به طور شخصی (انفرادی) تصمیم گیرند، نمی‌تواند اخلاقی عمل کند. وقتی تک‌تک افراد اخلاقی عمل کنند، با همدیگر فعالیت گروهی که اخلاقی است را ایجاد می‌کنند (Guy 1990:155).

انسان‌ها نه تنها به‌عنوان افراد، بلکه به‌مثابه اعضای یک موجود زنده بزرگ‌تر وجود دارند که سطحی از کنترل و مسئولیت را برای افراد داخل مرزهایش در نظر می‌گیرد. این موجود زنده ممکن است با نام‌های بسیاری خوانده شود: اجتماع، جامعه، ایالت یا ملت. کلمه "ملت" اغلب دلالت بر یک ماهیت منحصربه‌فرد و مستقل دارد که معمولاً بر اساس اتحاد سیاسی است. همچنین استنباطی از اشتراک زبانی و نژادی وجود دارد. در واقع بیشتر کشورها از ملیت‌های متعددی با استفاده از زبان‌های مختلف تشکیل شده‌اند. درحالی‌که کلمه "جامعه" نیز ابهامات زیادی دارد، هیچ پیشنهادی برای یکسان بودن نژادی یا زبانی وجود ندارد.

فعالیت‌های انسانی را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: فردی و اجتماعی. (Bowne 1892) از آنجاکه جامعه قوانین، قواعد و شرایط همزیستی را شکل می‌دهد، فرد معمولاً برای رفتار مناسب تابع این مقررات است. افراد در جامعه‌ای سازمان‌یافته به نهادی با قدرت، بیشتر از اعضای فردی اعتماد می‌کنند. این موجود زنده مشترک ممکن است جامعه موزه نامیده شود و برای عملکرد آن باید نوعی ساختار زیربنایی داشته باشد. ایدئال و اخلاق پایه و اساس آن ساختار و ابزاری برای تشخیص خوب‌ترین یا خیر مشترک هستند.

آیا اصول اخلاقی موزه نیز در خدمت عمومی^۳ است؟

اگر جامعه موزه با استناد به نظم اجتماعی بیشتر، حقوق خود را تعیین کند، تعیین حقوق جامعه با استناد به حرفه موزه^۴ به همان اندازه مناسب است. اخلاق یک بخش اساسی از معادله است و یک کد اخلاقی وسیله‌ای برای برقراری ارتباط این حقوق و انتظارات است.

موزه‌ها و فعالیت‌های آنها بخش مهمی از فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی جهان را تشکیل می‌دهند و در آینده اهمیت بیشتری خواهند داشت.



شکل ۳.۱: اخلاق موزه و جامعه

¹ Masoumeh.rezavani@yahoo.com

² Edson, G. (Ed.). (1997). *Museum Ethics: Theory and Practice* (1st ed.). Routledge

³ . serve the public

⁴ . museum profession

<http://museologyissues.com/>

موزه‌ها می‌توانند تأثیر مثبت بر انسان و اکوسیستم داشته باشند. ابزاری که توسط آن این چالش برآورده می‌شود به نگرش‌ها و عملکرد اخلاقی تمام کارکنان موزه بستگی خواهد داشت. هریک از اعضای جامعه موزه^۵ این فرصت را دارند تا در ایجاد استانداردهای موزه برای خدمت به حرفه موزه شرکت کنند.

افرادی که در موزه‌ها کار می‌کنند دارای مقام و عنوان هستند. آنها ممکن است کارمندان ثبت^۶، موزه‌دارها^۷، کارکنان امنیتی^۸، مدیران مجموعه^۹، مربیان^{۱۰}، سرپرستان^{۱۱}، امین اموالان^{۱۲} یا داوطلبان^{۱۳} باشند. در هر موقعیتی وظایف و امتیازات مربوطه وجود دارد. انتظار می‌رود افرادی که در این موقعیت‌ها بکار گرفته می‌شوند اقدامات خاصی انجام دهند. زمانی که هر فرد کار خود را به طور مؤثر و صحیح انجام می‌دهد، مؤسسه به‌درستی عملکرد سیستم را می‌تواند انجام دهد. همکاری بر اساس دانش سیستم است، یعنی دانستن آنچه از هر فرد انتظار می‌رود و این که هر فرد با همان سطح حرفه‌ای بودن شرکت می‌کند. برای کمک به این فرایند، این موزه دارای یک بیانیه مأموریت، کد اخلاقی، سیاست جمع‌آوری و رویه‌های عملیاتی است. این اسناد به کارمندان در شناخت انتظارات سیستم و نقش آنها در مؤسسه کمک می‌کنند. هرج‌ومرج زمانی به وجود می‌آید که هیچ قانونی برای حل تضاد منافع وجود ندارد. برای جلوگیری از هرج‌ومرج، نظم و سازمان لازم است. بخش جدایی‌ناپذیر هر سازمان حرفه‌ای کد اخلاق است.

آیا تصمیم‌گیری یک مسئله یا نگرانی اخلاقی است؟

"مسئولیت‌ها تمایل به گستردگی دارند تعهدات ... تمایل به تعریف محدود، صریح و شفاف دارند" (Lewis 1991:23). در موقعیت مسئولیت تصمیم‌گیری نکردن غیرممکن است. بسیاری از تصمیمات برای کارمندان موزه، شامل مسئله‌ای اخلاقی است. اکتساب اشیا^{۱۴}، مراقبت از مجموعه‌ها^{۱۵}، نمایشگاه‌ها^{۱۶}، سانسور^{۱۷}، تعامل با همکاران^{۱۸}، مجموعه‌داری شخصی^{۱۹}، از دسترس خارج کردن یا امحا^{۲۰}، امانت^{۲۱} گرفتن یا دادن و بسیاری از فعالیت‌های روزمره کارکنان موزه مستقیماً به استانداردهای اخلاقی مربوط می‌شود. در واقع یکی از مفاهیم اصلی موزه اعتماد عمومی است و این که حفظ اعتماد نگرانی یا مسئله‌ای اخلاقی و همچنین مسئولیتی قانونی است.

هیچ راهی برای اجتناب از قضاوت کردن وجود ندارد. با این حال تصمیم‌گیری منطقی بر اساس این فرض است که اشخاص دیگری نیز از این حرفه که با موقعیت یکسانی مواجه هستند، انتخاب یکسانی خواهند داشت. از آنجاکه تصمیمات منطقی بازتاب اعمال پذیرفته

5 . museum community

6 . registrars

7 . curators

8 . security personnel

9 . collection managers

10 . educators

11 . administrators

12 . trustees

13 . volunteers

14 .Acquisition of objects

15 . care of collections

16 . exhibitions

17 . censorship

18 . interaction with colleagues

19 . personal collecting

20 . deaccessioning

21 . loans

<http://museologyissues.com/>

شده هستند معمولاً استانداردهای اخلاقی ثابتی را رعایت می‌کنند و برای این که فرض کنیم تصمیم‌گیری منطقی مخالف اقدامات ناگهانی است که در وجود شخصی و درونی هستند. (Sommers 1986)

بخش مهمی از عمل منطقی تصور اقدامات جایگزین است، نه فقط بررسی شرایط فعلی (Mount 1990). انسان‌ها تمایل دارند یک "اقدام اولیه" داشته باشند که آنی است - یک واکنش و سپس یک ارزیابی متفکرانه‌تر انجام شود. زمان بخش دوم واکنش اغلب پس از این حقیقت است و به‌عنوان "ادراک یا بازاندیشی" توصیف می‌شود. در تجزیه و تحلیل یک وضعیت اخلاقی، لازم است که از واکنش (غریزی) فراتر برویم و وقایع را از دیدگاه‌های مختلف مشاهده کنیم. اغلب اولین تجزیه و تحلیل تأیید تا تصدیق پیش‌بینی شده و نه واقعی است. ایده بررسی سیستماتیک بخشی از فرایند رفتار اخلاقی است. این دو مسئولیت و تعهد کسانی است که به اصول اخلاقی حرفه‌ای صحنه می‌گذارند. چنین رفتار حساب شده‌ای باید در مورد اقدامات روابط مهم‌تر که حرفه موزه است و از دیدگاه اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، اعمال شود.

آیا سایر گروه‌های حرفه‌ای دارای کدهای اخلاقی هستند؟

در نیمه اول قرن بیستم، بیش از سیصد کسب‌وکار و گروه حرفه‌ای در ایالات متحده کدهای اخلاقی را پذیرفتند (Titus 1947). این تعداد تا حدودی به‌خاطر رشد آگاهی اخلاقی افزایش می‌یابد. تعداد رو به افزایش سازمان‌ها با کدهای اخلاقی روشن می‌سازد که اصول اخلاق حرفه‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت. این نکته نیاز به درک اساسی از نظریه اخلاقی را نشان می‌دهد. تا به‌عنوان راهنمایی در برخورد با مسائل مطرح شود. همچنین واضح است که کدها باید به‌طور مداوم با پیش‌بینی تغییرات مورد بررسی قرار گیرند. استانداردهای اخلاقی باید طوری تنظیم شوند که به‌اندازه کافی اهداف این حرفه را محقق کنند.

اصطلاح "حرفه موزه" برای نشان دادن گروهی از افراد به کار می‌رود که به‌خاطر آموزش‌های ویژه خود، واجد شرایط انجام نوع خاصی از کار یا خدمت با مهارتی بیشتر از فردی معمولی هستند (Patterson 1949). علاوه بر آموزش علمی و فنی مورد نیاز، یک عامل فرعی بخشی از معادله حرفه‌ای و جزئی از خدمات است. حرفه موزه باید بیشتر نگران ارتقای خدمات عمومی یا رفاه اجتماعی باشد تا دستاوردهای اقتصادی شخصی. پذیرش انگیزه خدمات متمایز از انگیزه سود یا منفعت، ویژگی حرفه موزه است.

موزه مؤسسه‌ای غیرانتفاعی، دائمی در خدمت جامعه و توسعه آن است و به روی عموم برای اهداف نگهداری، پژوهش، ارتباطات و نمایش، مطالعه، آموزش و لذت از شواهد مادی انسان‌ها و محیط‌زیستشان باز است.²² (ICOM 1990:3)

برای حفظ درجه بالایی از سودمندی در حرفه موزه که در آن مهارت و دانش فنی پیشرفت‌های برنامه و تحقیقات فعلی انسان‌ها امری ضروری است، مطالعه مستمر مورد نیاز است، به همین دلیل، بهتر است افرادی که تعهد خود را نسبت به ایدئال‌های خدمات نشان نمی‌دهند یا کسانی که کد اخلاقی تأیید شده را نادیده می‌گیرند، از حرفه موزه حذف شوند. استانداردهای حرفه‌ای تنها زمانی حفظ می‌شوند که برای افراد خارج از حرفه موزه هستند امکان تشخیص بین کسانی که صلاحیت انجام کار لازم یا ضروری را دارند و آن‌هایی که مهارت ندارند، وجود داشته باشد. این تفکیک از نقطه نظر مسئولیت قانونی و نیز امانت‌داری مهم است. در برخی موارد، انتظارات اخلاقی این حرفه با تصویب قانون تقویت می‌شوند. یک نمونه از این مکمل مربوط به خود خرید و فروش است. اگر یک کارمند موزه از طریق دانش کسب کرده به‌عنوان عضوی از کارمندان موزه یا با برنامه‌ریزی برای به‌دست آوردن اشیا از یک منبع خاص منافع شخصی کسب کند ممکن است اقدام قانونی صورت گیرد. ایدئال‌های تعهد عمومی و اعتماد عمومی در اولویت هستند.

هر حرفه‌ای مشکلات یا نگرانی‌های خاص خود را در مورد رفتار اعضایش دارد. کد اخلاقی برای تعریف رابطه "گروه اولیه" استفاده می‌شود. هر چه گروه بزرگ‌تر می‌شود یا فاصله میان افراد در حرفه افزایش می‌یابد، به قواعد رفتاری رسمی‌تر نیاز است. حرفه موزه

²² . A museum is a non-profit making, permanent institution in the service of society and of its development, and open to the public which acquires, conserves, researches, communicates and exhibits, for the purposes of study, education and enjoyment, material evidence of people and their environment.

<http://museologyissues.com/>

را می‌توان به‌عنوان یک "گروه ثانویه" توصیف کرد که در آن رابطه اعضا بر اساس اشتراک هدف است. تماس به‌منظور هدفی خاص و رسمی است، به‌جای فردی و غیررسمی که اغلب در گروه اولیه وجود دارد.

چرا باید اخلاق موزه را مطالعه کرد؟

حداقل دو دلیل برای مطالعه اخلاق در موزه وجود دارد. اولین مورد مربوط به حرفه است که در آن عمل اخلاقی توسط کسانی که در جامعه موزه هم سطح هستند، دیکته یا تحمیل می‌شود. اعمال اخلاقی از کارکنان موزه می‌خواهد بخشی از حرفه موزه باشند، قوانین اخلاقی تأیید شده را بپذیرند و با استانداردهای آن مطابقت یابند. موزه‌ها و کارکنان موزه معمولاً اصول اخلاقی حرفه را تأیید می‌کنند، اگرچه ممکن است بخواهند کار دیگری انجام دهند؛ معمولاً دادوستد خود را بر اساس استانداردهای پذیرفته شده انجام می‌دهند. از آنجاکه این حرفه به‌طور مداوم در حال تغییر است، نیازی مستمر به بررسی و ارزیابی مجدد شیوه‌های اخلاقی وجود دارد. فرایند بازبینی نشان نمی‌دهد که این حرفه در گذشته اشتباه کرده است، بلکه تغییر بیشتر اطلاعات و روش‌های بهبودیافته ممکن است اصول پذیرفته شده قبلی را تغییر دهند.

دلیل دوم برای مطالعه اخلاق موزه نیاز به درک و گسترش فعالیت‌های مورد قبول موزه است. هر چه کارمندان موزه آگاه‌تر و آموزش دیده‌تر باشند، پتانسیل آن‌ها به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در جامعه موزه بیشتر خواهد بود. دانش، تفکر انتقادی را بر می‌انگیزاند و تأمل یا تفکر اندیشمندانه اغلب منجر به نتیجه‌گیری و کاربردهای متفاوتی از نتایج جامعه اصلی موزه می‌شود. درک بهتر موضوعات اخلاقی نیز به فرد اصولی برای قضاوت شخصی و عزت‌نفس حرفه‌ای می‌دهد. بدون درک بالا، سنت‌های گذشته تنها دستورالعمل‌های اخلاقی را ارائه می‌دهند.

دانش نظریه اخلاقی فواید عملی بی‌شماری دارد. ما را از تعصب و جزم‌اندیشی (اظهار عقیده بدون دلیل) می‌تواند رها کند. این مجموعه‌ها، سیستم‌های جامعی را برای هدایت تصمیمات فردی ما ایجاد می‌کنند. چشم‌انداز اخلاقی را شکل می‌دهند تا ما بتوانیم مسائل را دسته‌بندی کنیم و نیز روشن‌تر و با اعتمادبه‌نفس بیشتر در مورد مشکلات فکر کنیم، به ما کمک می‌کند تا در ذهنمان روشن کنیم که اصول و ارزش‌های ما چگونه با یکدیگر ارتباط دارند و مهم‌تر از همه، در مورد این که چگونه باید زندگی کنیم به ما راهنمایی می‌دهد (Pojman 1990:x).

ایده "اخلاق" اغلب با مفهوم درست و غلط در ارتباط است. هنگامی که در مورد اقدامات شخصی در یک وضعیت زندگی به کار رود، آن ارتباط ممکن است قابل قبول باشد. هنگامی که به سمت یک گروه از افراد - یک حرفه - هدایت می‌شود، آنگاه تعیین و تأیید فرضیات کاربردی سخت‌تر می‌شود. بیشتر حرفه‌ها "هنجارهایی" را ایجاد می‌کنند که از پیروان آن حرفه انتظار می‌رود به وظایف خود عمل کنند یا آن‌ها را انجام دهند. سپس یک هنجار تبدیل به قانونی می‌شود که آنچه باید انجام شود یا باید از آن اجتناب شود را تجویز می‌کند (Banner 1968). در مورد حرفه موزه، اخلاق، استانداردهایی را برای اعمال یا اقداماتی که قابل قبول هستند، یعنی خوب یا درست را در محدوده موزه شناسی ایجاد می‌کند.

موزه‌ها در مورد اشیا و تمام تقسیم‌بندی‌های مرتبط با اشیا هستند - آن‌ها همچنین درباره مردم نیز هستند. اصول اخلاقی در موزه در مورد نحوه برخورد با افراد و اشیا است. اخلاق ممکن است شاخه‌ای از فلسفه در نظر گرفته شود که با چگونگی زندگی یا عمل انسان سروکار دارد و با نظر یا ایده خوب (با حرف G بزرگ) یا با مفهوم درست و غلط مرتبط است. بر اساس این ایده اصول اخلاقی باید برای هر فرد صرف‌نظر از شغل و حرفه او مهم باشد.

یکی از مشکلاتی که با در نظر گرفتنش مواجهه می‌شود، پایه فلسفی آن است و تصور می‌شود فکری را در عالی‌ترین سطح از کمال زمینی قرار می‌دهند. در دنیای شرقی؛ عرفاً بر طبیعت وجود انسان و وحدت فلسفی به‌عنوان شرط اساسی وجود و تعامل شخصی با جهان تأکید کردند. هر دوی آن‌ها دیدگاهی از آگاهی را اظهار داشتند که به‌صورت عقلانی و تجربی در نظر گرفته شده بود. فلسفه با مفاهیم ذیل تعریف شده است:

<http://museologyissues.com/>

۱. عشق به خرد یادانش ۲. مطالعه فرایندهای کنترل کننده فکر و رفتار؛ نظریه و بررسی اصول یا قوانینی که جهان را تنظیم می کنند و اساس همه دانش ها و واقعیت را تشکیل می دهند؛ زیبایی شناسی، اخلاق، منطق، متافیزیک و غیره در این مطالعه قرار گرفته است. ۳. اصول یا قوانین اصلی یک حوزه دانش، فعالیت و غیره مانند فلسفه اقتصاد. (a.۴) یک نظام ویژه از اصول برای انجام زندگی؛ (b) رساله ای که چنین نظامی را پوشش می دهد. ۵. مطالعه اخلاق، شخصیت و رفتار انسان (McKechnie 1977:1347).

با افزایش تقاضا در جامعه موزه و فراوانی منابع موجود، نیاز به راهنمایی اخلاقی افزایش می یابد. اخلاق با روش راهنمایی دادن، پاسخ را تعریف می کند. اخلاق، همان طور که با مثال زیر از کد اخلاق حرفه ای^{۲۳} ICOM نشان داده شده، جهت گیری هایی را برای رفتار ارائه می دهد: "موزه باید از هر فرصتی برای توسعه نقش خود به عنوان یک منبع آموزشی استفاده کند که برای همه بخش های جامعه یا گروه تخصصی که موزه در نظر دارد به آنها خدمت کند، استفاده شود" (1990:26).

"موزه ها باید در جهت جلوگیری از تخریب مداوم منابع تاریخ طبیعی جهان، باستان شناسی، مردم شناسی، تاریخی و هنری موقعیت رهبری را به دست گیرند" (ICOM 1990:28).

آیا نظریه اخلاقی برای درک اخلاق اهمیت دارد؟

معمولاً، جنبه عملی اخلاق موزه مورد مطالعه نیست؛ بلکه جنبه نظری است که مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که یک نظریه یک مجموعه کلی از فرضیات است. عملی بودن یک نتیجه اولیه نیست. نظریه پردازان اخلاقی به طور کلی با تحلیل فرایندهای تصمیم گیری شخصی بر ایجاد جایگاه اخلاق تمرکز می کنند. استدلال نظری بر این ایده استوار است که اصول مختلف می توانند ترکیب یا تعریف شوند تا به یک اصل کلی قضاوت اخلاقی تبدیل شوند.

اعتقاد به جهان شمولی اخلاق، مخالفان بسیاری دارد. برخی بر این باورند که هیچ نگرانی اخلاقی مشترکی که از مرزهای سیاسی و وابستگی های فرهنگی عبور کند وجود ندارد؛ اینکه یک ملت یا گروهی از مردم اساس اخلاقی متفاوتی نسبت به دیگری دارند را اندکی اثبات می کند. همچنین تفاوت های بسیاری نیز بین افراد با یکدیگر وجود دارد. در برخی فرهنگ ها مردم بر این باورند که محققان نباید هیچ کاری انجام دهند و یا عکس گرفتن از کسی روح آنها را می دزدد. بر اساس این تفکر، این طور فرض نمی شود که کار یدی مهم نباشد و یا اینکه عکس ها برای سلامتی فرد خطرناک باشند. در عوض، فرض بر این است که برخی فرهنگ ها نسبت به برخی دیگر آگاهی کمتری دارند و یا کمتر نگران چنین موضوعاتی هستند.

از آنجا که برخی از اعمال گروهی با یک فرهنگ خاص مرتبط هستند، هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم همه باید آن گونه باشند. به همان اندازه غیرمنطقی است که تصور کنیم همه افراد در یک فرهنگ خاص یکسان عمل کنند یا واکنش نشان دهند. با پرورش ایدئال های اخلاقی برای کارکنان موزه، ترغیب دیگران برای تأیید همان باورها محتمل است. ممکن است با ارائه اطلاعات در مورد مسائل اخلاقی مربوط به جامعه موزه، فرض شود که مبنای دانش اصلی افزایش خواهد یافت و عملکرد مربوطه دنبال خواهد شد. فرایند تدوین یا توسعه یک کد اخلاقی هیچ غایت یا معنایی (ارزشی) ندارد، اگر این فرایند در نهایت برای افراد حاضر در این حرفه نتیجه خوب نداشته باشد.

چرا حرفه موزه به یک کد اخلاقی نیاز دارد؟

برای اینکه حرفه ای یک کد اخلاقی داشته باشد، لازم است شرایط اخلاقی خاصی وجود داشته باشد که برای همه افراد مشترک باشد. دو دلیل بسیار اساسی و منطقی برای داشتن یک کد اخلاقی وجود دارد. اولی بدیهی است و به عنوان مرحله پیگیری فرایند اخلاقی توصیف می شود. این مرحله تعریف استانداردهای اخلاقی و اختصاص آنها به فعالیت های موزه است. دومین مرحله، مرحله نهایی

²³ . Code of Professional Ethics

است که نتیجه یا نتایج کد را تعریف می‌کند. این مرحله کاربرد یک کد تثبیت شده برای فعالیت‌های روزمره موزه است. هر مرحله مهم است. همچنین می‌توان ایجاد یک کد اخلاقی را در نتیجه سه بخش توصیف کرد:

- ۱- شناخت^{۲۴} هدف اخلاقی،
- ۲- توصیف^{۲۵} هدف اخلاقی و
- ۳- دستیابی^{۲۶} به هدف اخلاقی.



شکل ۳.۲: ایجاد یک کد اخلاقی

ایده شناخت اخلاقی یک ایده نسبتاً ساده است. برخی چیزها درست (خوب) و برخی دیگر نادرست (بد) هستند. عمل اخلاقی باید هدفی فراتر از خود داشته باشد. با فرض این که هیچ منطقی برای اعمال غیرمنطقی وجود ندارد، به خصوص اگر یک عمل غیرمنطقی یا بی‌معنی باشد، چنین اعمالی باید غیراخلاقی و زیان‌بخش در نظر گرفته شوند. با پیروی از این ایده یک عمل منطقی (عقلانی) باید صحیح یا خوب باشد. آن قوانین یا قاعده‌هایی که غیرمنطقی هستند یا به طور انتخابی اعمال می‌شوند یا نادیده گرفته می‌شوند، تغییر می‌کنند یا حذف می‌شوند. قوانین، قواعد، وظایف و اعمالی که منطقی و خوب هستند، اجرای یکسان را تضمین می‌کنند. از طریق کاربرد یکسان است که اقدامات منطقی و قدرت را به دست می‌آورند. اخلاق نیز به همین شکل درک می‌شود.

مطالعه اخلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای جامعه موزه در پایان قرن بیستم مهم‌تر از هر زمان دیگری است. "اخلاق یک عمل - راهنمایی متمایز دارد یا به اصطلاح هنجاری، جنبه و به این ترتیب متعلق به گروه مؤسسات عملی است که شامل مذهب، قانون، و آداب‌ورسوم هستند" (Pojman 1990:3). نقش اجتماعی اخلاق یا شاید انحراف اخلاقی به خاطر پذیرش اجتماعی از بسیاری جهات تجلی می‌یابد. اعمال اجتماعی قابل قبول و غیرقابل قبول به طور چشمگیری همان‌طور که فرهنگ تعریف شده متفاوت است. این یک واقعیت است که مفاهیم اخلاقی با تغییر زندگی اجتماعی تغییر می‌کنند. به این ترتیب، مفاهیم و معیارهای درست و غلط اخلاقی نقطه متحرک افق اجتماعی هستند. در نتیجه، تفکیک ایده‌های اخلاقی و زندگی اجتماعی غیرممکن است. یک روش کلیدی که در آن می‌توانیم شکلی از زندگی اجتماعی را متمایز از دیگری شناسایی کنیم، شناسایی تفاوت‌ها در مفاهیم اخلاقی است (MacIntyre 1966:1).

اظهارات جهان‌شمول مختصری وجود دارند که در مورد هر فرد در هر جلسه‌ای صدق می‌کنند. اظهارات جهان‌شمول متعددی وجود دارند که در بیشتر فرهنگ‌ها برای بیشتر بزرگسالان به کار می‌روند. در تمام فرهنگ‌ها / جوامع، فرضیهٔ صداقت / حقیقت وجود دارد. ارتباطات صورتی از تأیید حقیقت است. صداقت / حقیقت سطحی از اعتماد را ایجاد می‌کند و بدون اعتماد، ارتباط غیرممکن است. از آنجاکه دوره‌ای بحرانی برای فراگیری زبان اول وجود دارد، ممکن است زمان متناسبی برای رشد مفهوم حقیقت وجود داشته باشد. این بدان معنا نیست که مردم دروغ نمی‌گویند. دروغ گفتن شرایط اجتماعی تحمیلی یا مجاز است؛ اما بدون فرض استفاده درست از کلمات، توانایی افراد برای عملکرد در محیط اجتماعی کلامی محور ممکن نیست. تبادل اطلاعات بین دو یا چند نفر بر اساس این

²⁴ . recognize

²⁵ . describe

²⁶ . achieve

<http://museologyissues.com/>

اعتماد است که کلماتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، کلمات صحیح (درست) برای بیان ایده‌های متناسب با موقعیت هستند. بدون این اعتماد، این باور که برخی از کلمات به معنای شرایط، نیاز یا آرزوی خاص درک می‌شوند، دلیلی برای برقراری ارتباط وجود ندارد. زمانی که اعتماد اولیه برقرار شد، تبادل اطلاعات امکان‌پذیر است و مبنایی برای اعتمادهای دیگر ایجاد می‌شود. برخی ممکن است استدلال کنند که نمونه‌های بی‌شماری از عدم صداقت با کلام رهبران جهان وجود دارد. با این حال، این نتایجی است که گاهی نادرست هستند و نه ارتباطات (کلمات). اگر کلمات را نمی‌فهمیدند، پیام صحیح یا غلط، قابل انتقال نبود.

موضوعات بسیاری وجود دارند که به‌منظور هدفی درست یا غلط توصیف می‌شوند. بیشتر آنها کمی بیشتر از عرف‌ها و باورهای اجتماعی هستند. دانش، فناوری، پیشرفت اقتصادی یا ثبات سیاسی (نظم) به‌طور خودکار تولیدکننده پیشرفت اخلاقی نیستند. به‌طور معمول این عوامل تعارضاتی با استانداردهای اخلاقی موجود ایجاد می‌کنند؛ زیرا ایده‌های سنتی به‌اندازه کافی جامع برای رسیدگی به شرایط جدید نیستند. "مشکلات و اختلافات ... عمدتاً به دلیل یک علت بسیار ساده هستند: یعنی تلاش برای پاسخ به سؤالات، بدون اولین کشف دقیق این که کدام سؤال را می‌خواهید پاسخ دهید" (Moore 1902:vii).

تکمیل فرم A قبل از فرم B به‌خودی‌خود یک مسئله اخلاقی نیست. توالی وظایف معمولاً توسط رویه‌های سازمانی توصیف می‌شود. با این حال تکمیل دقیق و صادقانه فرم‌ها، محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات مربوطه و دسترسی دقیق به شیء برای حفاظت یا دیگر نیازهای مراقبتی ویژه، باید در استانداردهای تعریف شده توسط یک کد اخلاقی سازمانی قرار گیرد.

"همه تلاش‌ها برای بیان صریح استانداردهای اصلی و عمومی برای عمل و قضاوت، نظریه اخلاقی نیستند" (McInerney and Rainbolt 1994:5). هدف یک کد اخلاقی این نیست که لیستی از حقایق را گردآوری کند و جهت‌گیری‌های سازگار با آنها را بدهد؛ یک کد اخلاقی به فرد توصیه یا دستورالعمل نمی‌دهد (Moore 1902). اخلاقیات رفتار مربوط به استانداردهای مقبول را در یک جامعه تعریف می‌کند. در مورد اصول اخلاقی موزه، آن نظام اجتماعی جامعه موزه است. به‌عنوان مثالی از تأثیر تغییر، تصدیق سیاسی میراث ملی، ارزیابی مجدد استعمار فرهنگی و به رسمیت شناختن پاسخگویی بین‌المللی نیاز به یک بیانیه در مورد فعالیت‌های موزه‌ای مربوط به قاچاق غیرقانونی اشیای فرهنگی یا طبیعی ایجاد کرد. این وضعیت برای اعمال اخلاقی اساسی است که در آن یک کد اخلاقی وضعیت موجود را به رسمیت می‌شناسد و آنچه باید باشد را شرح می‌دهد. بدون این «دلیل» هیچ منطقی برای صورت‌بندی یا تغییر اخلاقی وجود ندارد.

آیا اخلاق صورتی از "قضاوت صحیح" است؟

بیشتر مردم بر این باورند که قضاوت آنها "درست" است. آنها بر این باورند که آنچه به ایشان آموزش داده می‌شود، یعنی تفکراتشان بیان سنت فرهنگی است که از آن می‌آیند. با این حال، اگر همه افراد قضاوت صحیح (درست) داشته باشند و این تصمیمات به‌خودی‌خود انجام شوند، آن‌گاه اختلافات ایجاد می‌شود. اعمال تبعیض‌آمیز بر اساس واکنش‌های احساسی باعث برخورد یک سری انتظارات یا استانداردها با دیگری می‌شوند. برای حفظ نظم اجتماعی، قوانین به‌عنوان راهنمایی برای عمل قابل قبول و ایجاد مبنایی برای قضاوت در مورد اعضای جامعه عمل می‌کنند. پیروی از قوانین جامعه نباید وابسته به جایگاه پولی، اجتماعی یا فکری باشد. از بسیاری جهات، اگر این فعالیت‌ها صرفاً گسترش محیط اجتماعی هستند، باید در مورد شیوه‌های اخلاقی نیز همین گفته شود.

دو عامل دیگر باید برای کاربرد اخلاقی مؤثر وجود داشته باشد:

۱. مستندسازی^{۲۷} اعمال اخلاقی قابل قبول در ارتباط با نهاد، سازمان یا گروه و ...

۲. خود – تحلیلی^{۲۸} و انتقاد متقابل^{۲۹}.

27 . documentation

28 . self-analysis

29 . mutual criticism

<http://museologyissues.com/>

سازگاری با یک کد اخلاقی تثبیت شده دارای حداقل اعتبار است مگر اینکه بر اساس خود - تحلیل و مسئولیت مشترک بررسی و انتقاد از درون نهاد، سازمان یا گروه باشد. این فرایند است که اجازه می‌دهد و از اصلاحات مجدد رفتار اخلاقی بر اساس نیازهای افراد درگیر در فعالیتهای مربوطه پشتیبانی می‌کند.

" گروه‌ها و سازمان‌ها تمایل به صورت‌بندی کردن و تغییر رویه‌های اخلاقی بر اساس چیزی دارند که به‌عنوان اصل سودمندی توصیف شده است" (Garnett 1960:58). با دنبال کردن این نگرش، هنجارهای اخلاقی ایجاد می‌شوند که گروه خاص باور دارد تأثیر مطلوبی بر عضویت آن و کسانی که با آنها تعامل دارند خواهد داشت. این نگرش سودمندی با عامل اعتمادی که خوبی کل را بالاتر از آرزوهای فرد قرار می‌دهد متعادل می‌شود. اعتماد یک مفهوم انتزاعی است که اغلب با قانونی‌بودن اشتباه گرفته می‌شود. اعمالی که از نظر قانون صحیح باشند ممکن است باعث ایجاد اعتماد نشوند. ظاهر، نگرش و مسئولیت‌پذیری بخش‌هایی از عامل اعتماد هستند و نگرانی آغازگر پیامد پیش‌بینی شده برای دیگران هستند.

اخلاق بخشی از بسیاری از فعالیتهای روزانه است. اغلب افراد اعمال خود را تحت شرایط از پیش تعیین شده به‌عنوان " انجام کار درست" ³⁰ توصیف می‌کنند. به‌عنوان یک مثال ساده، رفتار منصفانه با فرد دیگر تا زمانی که او هم همین کار را بکند، یک عمل طبیعی است. تصور می‌شود ایده ترتیب متقابل " بازی عادلانه" ³¹ است. تا زمانی که شرایط اجتماعی و اقتصادی غالب ثابت بماند، واکنش اخلاقی بدون تغییر باقی می‌ماند. این واکنش معمولاً به‌خودی‌خود به‌عنوان بیان درک متقابل است. همین امر در محیط موزه نیز صادق است. احترام متقابل، همکاری و صداقت نگرش‌های نرمال تعامل حرفه‌ای هستند.

آیا جهانی‌شدن اخلاق برای حرفه موزه امکان‌پذیر است؟

با اینکه سنت اخلاقی موزه در نقاط مختلف جهان در بسیاری از جزئیات متفاوت است، دیدگاه مسئولیت اخلاقی اساساً یکسان است. این دیدگاهی است که بر اساس خدمات و تعهد - بر اساس یک تجربه عقلانی از واقعیت - و درک این که این تجربه چندین ویژگی اساسی دارد که مستقل از زمینه جغرافیایی، تاریخی و / یا فرهنگی موزه است. یک موزه‌دار در اکوادور و نیجریه ممکن است بر جنبه‌های مختلف اخلاقی تأکید کند و یک فرد در چین ممکن است مسئولیت اخلاقی خود را به صورتی تفسیر کند که متفاوت از موارد مورداستفاده در هلند باشد، اما عناصر اصلی کد اخلاقی مورداستفاده در تمام این مناطق یکسان هستند. سیستمی که جهان‌شمولی اخلاقی نامیده می‌شود این ایده را مطرح می‌کند که درست و غلط اخلاقی اساساً برای همه یکسان است. این تئوری به مردم اجازه می‌دهد که در مورد اعمال و اقدامات درست یا نادرست به طور متفاوت فکر کنند، اما می‌گوید که وقتی یک فرد عمل اشتباهی انجام می‌دهد وقتی که یک عمل درست هنجاری پذیرفته شده باشد پس آن فرد اشتباه کرده است (Holmes 1992).

در مقابل جهان‌شمولی، نسبی‌گرایی، همان‌طور که قبلاً گفته شد، نتیجه می‌گیرد که درست و اشتباه اخلاقی ممکن است از فردی به فرد دیگر و یا از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشد. مسئله بین دو نظریه در مورد قضاوت اخلاقی صحیح نیست؛ بلکه در مورد تأثیرات بر فرایند تصمیم‌گیری است. به طور خاص، جهان‌شمولی بر این باور است که استانداردهای اساسی صحیح برای همه یکسان است. این مفهوم وجود قوانین اخلاقی جهانی برای تمام موزه‌ها و کارکنان موزه را مجاز می‌داند. نسبی‌گرایی معتقد است که همه قضاوت‌های اخلاقی سازگار نیستند؛ بلکه ممکن است با توجه به شرایط شخصی یا شرایط فرهنگی یا موقعیت‌ها متفاوت باشند. با پیروی از ایده نسبی‌گرایی، کد جهانی اخلاقی برای موزه‌ها و کارکنان موزه غیرممکن است.

جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی، نظریه‌های رفتار اخلاقی هستند. آن‌ها درباره قضاوت اخلاقی صحیح، نیستند؛ بلکه در مورد ایده‌های پشت این اقدامات هستند. هر کدام جنبه مثبت و منفی دارند. با فرض اینکه نسبی‌گرایی الگوی پذیرفته شده قضاوت اخلاقی است،

³⁰ . right thing to do

³¹ . playing fair

<http://museologyissues.com/>

پس هیچ ملتی، مردم، نهاد یا فردی درست‌تر از هر فرد دیگری نیست. هر ملتی یا فردی می‌تواند به ملت یا فرد دیگری اشاره کند و برخی رسوم و اعمال آن‌ها را با استانداردهای پذیرفته شده‌ای که ادعا می‌کنند اشتباه بیابد. باین‌حال، هیچ استاندارد یا معیار عینی وجود ندارد که به‌وسیله آن، بتوانند اثبات کنند که شیوه‌های آن‌ها برتر است. باتوجه‌به این تفکر، هر فرد می‌تواند هر کاری را که دوست دارد در مورد هر چیزی که بخواهد انجام دهد؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند روش یا عملکرد خود را ثابت کند. هیچ عمل مشترکی غیر از تئوری ممکن نیست.

جهان‌شمولی ادعا می‌کند که درست و غلط اخلاقی اساساً برای همه یکسان هستند و همه به حقایق اساسی یکسان احترام می‌گذارند. باین‌حال مشکلاتی در تلاش برای تأیید این نظریه به وجود می‌آید. اگر جهان‌شمولی روش درست برای قضاوت اخلاقی باشد، آنگاه در یک نظریه می‌تواند استانداردهای جهانی وجود داشته باشد که توسط آن مردم یا یک ملت را می‌توان برتر از دیگری نشان داد. در واقع به نظر می‌رسد که هر دو نظریه نسبی‌گرایی یا جهان‌شمولی می‌توانند به‌عنوان بستری برای تحمیل مجموعه‌ای از استانداردهای اخلاقی بر دیگری عمل کنند. از آن‌جا که مفهوم نسبی‌گرایی مانع مخالفت افراد دیگر با اعمال نمی‌شود، پس دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم فشار اجتماعی منجر به مداخله نهایی نخواهد شد. جهان‌شمولی اشتراک درست و غلط را اعلام می‌کند؛ اما هیچ الگویی برای استانداردسازی فرایند قضاوت ارائه نمی‌دهد. این امر امکان تحمیل یک استاندارد بر همه افراد، صرف‌نظر از اولویت‌های فرهنگی یا شخصی را فراهم می‌آورد.

این وضعیت دیگری است که در آن مفهوم اخلاق، پیچیدگی را به این مسئله می‌افزاید، زیرا اخلاقیات بازتاب باورهای مذهبی است. باین‌حال، ممکن است گفته شود که همه ادیان اساساً یکسان هستند. به‌عبارت‌دیگر آن‌ها بر پایه باور به قدرت بزرگ‌تری که خارج از انسانیت قرار دارد، بنا شده‌اند. این جلوه‌های دین است که متفاوت هستند و باعث تفکر گوناگون در مورد اخلاق می‌شوند. گذشته از مسائل اخلاقی، دفاع یا محکوم‌کردن تعداد زیادی از مفروضات اخلاقی اساسی به دنبال تفکر نسبی‌گرایی یا جهان‌شمولی، بسیار ساده است. باین‌حال با فرض بر این که مسائل به‌صورت حرفه‌ای در نظر گرفته می‌شوند، مانند حرفه موزه، تفکر بسیار پیچیده‌تر است.

استفاده از نظریه نسبی‌گرایی در یک موقعیت عملی ممکن است بینشی به ما بدهد. اگر هر یک از کارکنان موزه تصمیم به اکتساب، اضافه یا الحاق شیء، فهرست، طبقه‌بندی اشیاء طبق استانداردهای شخصی‌شان بکنند، هیچ نظمی برای مجموعه‌های موزه وجود نخواهد داشت.

به‌علاوه اگر هیچ منبع قابل قبولی وجود نداشته باشد، هیچ مجموعه قابل‌استفاده و در نتیجه هیچ موزه معتبری وجود ندارد. این معضل را می‌توان با فرض وجود نسبی‌گرایی حرفه‌ای یا شبه جهان‌شمولی مبتنی بر شیوه‌های حرفه‌ای حل کرد. این مفهوم را می‌توان به‌عنوان عینیت‌گرایی توصیف کرد به این دلیل که ادعا می‌کند حق و باطل (درست یا غلط) توسط استانداردهایی که خارج از حدود قضاوت هستند تعیین می‌شوند. فعالیت‌های تأیید شده حرفه موزه باید درستی و نادرستی را برای تمام افرادی که در موزه‌ها بر اساس برخی درستی‌های مشترک کار می‌کنند، تعیین کند.

نظریه اخلاقی که از این رویکرد حمایت می‌کند زمینه‌گرایی است. این ایده " ادعا می‌کند که شما به‌سادگی نمی‌توانید بدانید که در واقع چه چیزی در بیشتر اوقات درست است، بنابراین باید بهترین قضاوت‌ها را از دیدگاه، دانش و درک محدود انجام دهید" (Holmes 1992:221).

اخلاق موزه در فعالیت‌های روزمره چگونه کار می‌کند؟

معمولاً اصول اخلاقی موزه تنها در مورد افراد داخل جامعه/ حرفه موزه به رسمیت شناخته می‌شود، از طرف افرادی که در فعالیت‌های مربوط به موزه شرکت می‌کنند اعمال می‌شود. مجموعه‌دار خصوصی هنرشناس و یا صاحب یک گالری انتفاعی به شیوه‌های اخلاقی حرفه موزه وابسته نیستند.

<http://museologyissues.com/>

در این صورت، بدیهی است که اصول اخلاقی موزه جدا از حرفه موزه وجود ندارد و نمی‌تواند داشته باشد (افرادی که متعهد به تداوم بالاترین استانداردهای عملی در جامعه موزه هستند). علاوه بر این، اگر حرفه موزه منجر به شناسایی استانداردهای اخلاقی شود که اقدامات مشابه را تأیید یا رد می‌کنند، پس عمل اخلاقی جهانی است اگرچه مشروط به طبیعت و موقعیت انسان است. در میان هر ملتی در هر نقطه از دنیا کارهایی وجود دارد که انجام نمی‌شود. در بیشتر سرزمین‌ها، دزدی و دروغ گفتن اقداماتی هستند که افراد اخلاقی انجام نمی‌دهند، مهم نیست که شرایط و عواقب آن چه باشد. بحث در مورد این که کدام عمل برای کدام جامعه نفرت‌انگیز است ممکن است، اما به‌طور کلی، انجام " کاردرست " انگیزه قوی برای بیشتر مردم است. مشکل زمانی بروز می‌کند که عمل صحیح نامشخص و تعریف نشده باشد. در بسیاری از موارد، اعمال افراد توسط قانون تنظیم می‌شود؛ اما قوانین بر اساس حقایق هستند. اگر یک عمل یا اقدام مشخص انجام شود، نتیجه قابل پیش‌بینی رخ می‌دهد ($X=Y$). وقتی یک راننده چراغ قرمز را نادیده می‌گیرد و وارد تقاطع می‌شود، آن عمل، زندگی و اموال دیگران که وارد تقاطع می‌شوند را به خطر می‌اندازد، با فرض این که آنها حق عبور (چراغ سبز) را دارند. این قانون، حداقل در این مثال، نسبتاً روشن (واضح) به نظر می‌رسد و درک آن آسان است. اگر کسی X را انجام دهد، آنگاه Y نتیجه می‌شود. جامعه تعیین کرده است که یک وضعیت غیرقابل قبول است، بنابراین قوانینی برای محدود کردن X وجود دارد.

جامعه موزه معاصر تمایل دارد نسبت به کسانی که در داخل این حرفه هستند و به‌خاطر ناآگاهی به شکلی غیراخلاقی عمل می‌کنند، مهربان باشد. اشتباهات در تصمیم‌گیری، اقدامات نامناسب و رفتار سؤال‌برانگیز ممکن است ابتدا منجر به انتقاد سازنده و در نهایت اجتناب شود. یک نمونه بارز از این نوع واکنش مربوط به امانت اشیاء است. یک کارمند موزه که در مورد اشیاء امانت گرفته می‌داند بی‌دقت است، غالباً خود را در موقعیتی قرار می‌دهد که قادر به تنظیم امانات نباشد. سایر مؤسسات تمایلی به اینکه مجموعه‌هایشان را در معرض بی‌دقتی و بی‌مسئولیتی بگذارند ندارند. اغلب موزه‌ها انتظار استاندارد خاصی از مراقبت را دارند و وقتی این سطح به دست نیاید، نگرش واکنشی برانگیخته می‌شود.

آگاهی اخلاقی برای جامعه موزه به چه معناست؟

تغییر اجتماعی بر نگرش‌های اخلاقی تأثیر گذاشته و باعث تغییر در رفتار اخلاقی شده است. پذیرش چندفرهنگی^{۳۲} خود را به‌عنوان بخشی از جهت‌گیری اخلاقی جدید موزه‌ها نشان داده است. نگرانی از عمل درست، نمایش (ارائه) درست و رفتار برابر و عادلانه برای همه، تفکر، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و جهت‌گیری بسیاری از موزه‌ها را تغییر داده است. این تغییرات خود را به طرق مختلفی نشان می‌دهند، اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها تغییر در نگرش جامعه موزه در تدوین یک کد صریحاً تعریف شده اخلاق حرفه‌ای است. بدیهی است که پذیرش چندفرهنگی روش جدیدی برای فکر کردن نیست. با این حال، پذیرش بیشتری را در گستره وسیع‌تری از جمعیت جهان پیدا می‌کند. شاید آنچه مهم‌تر است، نظم اجتماعی پذیرفته شده زمان است. این تفکر تأثیر مستقیمی بر جامعه موزه داشته است.

" تغییرات اجتماعی نه‌تنها انواع خاصی از رفتار را که زمانی از نظر اجتماعی پذیرفته شده، مشکل‌ساز کرده است، بلکه مفاهیمی را که چارچوب اخلاقی جهان پیشین را تعریف کرده‌اند، مشکل‌ساز کرده است " (MacIntyre 1966:5). تغییر زمان و تکامل اجتماعی یک واقعیت است. برای ترسیم موازی با جامعه موزه یک مرجع می‌تواند ساخته‌هایی بااهمیت‌های مختلف مربوط به هریک از کدهای اخلاقی انجمن موزه‌های آمریکا در سال‌های ۱۹۷۸، ۱۹۲۵ و ۴-۱۹۹۳ باشد. هر کدام تمرکز متفاوتی برای رفع نیازهای نیروی کار موزه داشتند. کد اولیه شخص را مخاطب قرار می‌داد؛ کد بعدی توجه بیشتری به شیء می‌کرد؛ و آخرین کد اصول مسئولیت اجتماعی را تدوین می‌کند.

32. Multi-cultural

<http://museologyissues.com/>

بدون هیچ کد اخلاقی برای هدایت و یا راهنمایی فعالیت‌های یک موزه، یک فرد خوب ممکن است کارمند ضعیفی باشد. با راهنمایی از یک کد خوب تدوین شده اخلاق حرفه‌ای یک فرد خوب و یک کارمند خوب می‌تواند یکی و یکسان باشند. تقریباً تمام توضیحات در مورد درستی یا نادرستی اخلاقی بسیار متفاوت است. هر موقعیتی به احتمال زیاد به مفاهیم عقلانی، آزادی، برابری، حقوقی، وظایف و تعهدات یا اصل به حداکثر رساندن منافع استفاده می‌کند. ملاحظات قانع‌کننده و غالباً بسیار شخصی مانند انصاف و فرصت برابر وجود دارد. حتی ممکن است تعارض بین اصول دموکراسی و شایسته‌سالاری وجود داشته باشد. سؤال این است که منافع چه زمانی باید برای همه در دسترس باشد و چه زمانی باید توانایی، پتانسیل و موفقیت بر توزیع مزایا و فرصت‌ها تأثیر بگذارند. این موضوعات خود را در نمایشگاه‌های موزه، برنامه‌های آموزشی و رویدادهای ویژه نشان می‌دهند. آنها ممکن است با زبان، دسترسی، سطح تحصیلات، هزینه پذیرش و یا چیزی به سادگی اندازه نوع برچسب‌ها سروکار داشته باشند. همچنین موضوعات عملی وجود دارند که ممکن است شامل قوانین و نحوه اعمال و تفسیر آنها باشد. کاربرد آشکار این اصل در موزه در ارتباط با اهداکنندگان یا اعضای هیئت‌مدیره است. برای اجازه‌دادن به استثنا در قوانین چقدر باید مشارکت کرد؟ چه زمانی موزه به یک شخص یا گروهی از افراد امتیاز ویژه‌ای که برای همه در دسترس نیست را می‌دهد؟ نگرانی‌هایی از این نوع را می‌توان با داشتن یک کد اخلاقی که به دقت در نظر گرفته شده، نشان داد.

اخلاق در موزه چگونه به تعصب شخصی می‌پردازد؟

تعصبات کارکنان موزه ممکن است شامل ملاحظات اخلاقی متعددی باشد. به عنوان مثال، موزه‌دار، مسئول آموزش، مدیر نمایشگاه یا رئیس می‌تواند موضوع یک نمایشگاه، آثاری که به نمایش گذاشته می‌شود و تفسیر آثار را انتخاب کند. موضوع مسئله ارزش - واقعی است: که آیا موزه‌دار یا طراح نمایشگاه می‌تواند "حقایق"^{۳۳} یک نمایشگاه خاص را از دیدگاه‌های مملو از ارزشی که در ذات فرضیات یا اولویت‌های فردی هستند تفکیک کند؟ "موزه باید به دنبال اطمینان از این باشد که اطلاعات در نمایش‌ها و نمایشگاه‌ها صادقانه و عینی باشند و باعث جاودانی ساختن افسانه یا کلیشه‌ها نمی‌شود" (ICOM 1990:26).

متأسفانه، برای تفسیر^{۳۴}، برنامه‌ریزی^{۳۵}، آموزش^{۳۶} و تعدادی دیگر از فعالیت‌های موزه شناسی، مشکل فرضیات، تعصبات، کلیشه‌ها و افسانه‌ها زمانی که این موارد معمولاً برگزار می‌شود، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. این نگرش‌ها بدیهی فرض می‌شوند و به مبنای تصمیم‌گیری ناخودآگاه تبدیل می‌شوند. از آنجاکه اخلاق در مورد انتخاب است، فرایند تصمیم‌گیری همیشه آسان نیست، چون انتخاب یک فرایند عینی نیست؛ بلکه موضوع نقطه‌نظر است.

"رابطه بین حقایق و ارزش‌های بین شرح توصیفی^{۳۷} و قضاوت‌های تجویزی^{۳۸} چیست؟" (Pojman 1990:137) به عنوان مثال: عکسی در یک نمایشگاه از دو نفر است که زیر یک درخت ایستاده‌اند (شرح توصیفی). آنها یک زوج معمولی از منطقه غرب کشور در آغاز قرن گذشته نشان می‌دهند (قضاوت تجویزی). شرح واقعی، حقیقتی را تأیید می‌کند که توسط تصاویر موجود در عکس تأیید می‌شود. ارزش قضاوت یک اظهارنظر یا ارزیابی تصاویر بر اساس فرض یا باور شخصی است. درست است که باور ممکن است تحت تأثیر آموزش قرار گیرد؛ اما اظهارات (شرح) آن پایه و اساس را تأیید نمی‌کنند. دو بخش تفسیر، یکدیگر را تقویت نمی‌کنند، یعنی آنها متقابلاً تأییدکننده نیستند.

33 . facts

34 . interpretation

35 . programming

36 . education

37 . descriptive statement

38 . prescriptive judgment

<http://museologyissues.com/>

حقایق انباشته ممکن است فرضیات شخصی را به دلیل تفاوت‌هایی که در تفسیر اطلاعات بیشتر از خود اطلاعات وجود دارد، تأیید یا رد کند. یک ابزار یا چاره برای ارزیابی حقایق، ایده‌ها و نظرات مختلف، فرایند تأمل و تفکر اخلاقی است (Brown 1990). این روش بررسی یا ارزیابی شامل بحثی است که با جمع‌آوری دیدگاه‌ها و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها آغاز می‌شود. به این ترتیب می‌توان تعدادی از ارزش‌های مشترک را تعیین کرد و مبنایی برای تصمیم‌گیری ایجاد کرد.

۱. آیا کارکنان موزه باید به عموم مردمی که موزه در خدمت آنهاست احترام بگذارند؟
۲. آیا کارکنان موزه باید قبل از فعالیت‌های شخصی، خانوادگی، دوستان، سایر فرصت‌های شغلی یا عموم مردم نسبت به موزه خود متعهد باشند؟

۳. آیا هر کارمند موزه احساس می‌کند که کارش برای دستاوردهای کلی موزه‌شان ارزشمند یا مهم است؟
۴. آیا استخدام موزه باید به‌عنوان یک " شغل " و یا یک تعهد حرفه‌ای در نظر گرفته شود؟
۵. آیا از نظر اخلاقی برای کارکنان موزه مهم است که مهلت‌های زمانی و تاریخ‌های موردنظر را در تکمیل وظایف محوله خود رعایت کنند؟

۶. آیا هر کارمند موزه باید به دنبال راه‌هایی برای افزایش خدمات عمومی موزه خود باشد؟
۷. آیا از نظر اخلاقی صحیح است که تعهد یک کارمند موزه به استانداردهای حرفه‌ای و اصول اخلاقی محدود به تأیید اصول کلی شود؟

۸. آیا فعالیت‌های اخلاقی هر کارمند موزه باید به عوامل خدمات عمومی موزه خود کمک کند؟
۹. آیا اقدامات اخلاقی یک کارمند موزه می‌تواند تأثیر مثبتی بر افرادی بگذارد که با آنها کار می‌کنند یا توجه بیش از حد به اعمال اخلاقی خوب به دیگران منتقل می‌شود؟
۱۰. آیا بلاغت اصل اخلاقی موزه از واقعیت اعمال اخلاقی در بیشتر موزه‌ها فراتر می‌رود؟

- Banner, W.A. (1968) *Ethics: An Introduction to Moral Philosophy*, New York: Charles Scribner's Sons.
- Bowne, B.P. (1892) *The Principles of Ethics*, New York, Cincinnati, and Chicago: American Book Company.
- Brown, M.T. (1990) *Working Ethics: Strategies for Decision Making and Organizational Responsibility*, San Francisco and Oxford: Jossey-Bass Publishers.
- Caplan, A. and Callahan, D. (eds) (1981) *Ethics in Hard Times*, New York and London: Plenum Press.
- Garnett, A.C. (1960) *Ethics: A Critical Introduction*, New York: The Ronald Press Company.
- Guy, M.E. (1990) *Ethical Decision Making in Everyday Work Situations*, New York and London: Quorum Books.
- Holmes, R.L. (1992) *Basic Moral Philosophy*, Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.
- International Council of Museums (1989) *Statutes*, Paris: ICOM.
- (1990) *Code of Professional Ethics* (revised), Paris: ICOM.
- Lewis, C.W. (1991) *The Ethics Challenge in Public Service*, San Francisco and Oxford: Jossey-Bass Publishers.
- MacIntyre, A. (1966) *A Short History of Ethics*, New York: The Macmillan Company.
- McKechnie, J.L. (general supervisor) (1977) *Webster's New Twentieth Century Dictionary of the English Language* (2nd edn) William Collins/World Publishing Co., Inc.
- McInerney, P.K. and Rainbolt, G.W. (1994) *Ethics*, New York: HarperCollins Publishers, Inc.
- Moore, G.E. (1902) *Principia Ethica* (republished 1988), Buffalo, NY: Prometheus Books.
- Mount, E. (1990) *Professional Ethics in Context*, Louisville, KY: Westminster/John Knox Press.
- Patterson, C. (1949) *Moral Standards: An Introduction to Ethics*, New York: The Ronald Press Company.
- Pojman, L.P. (1990) *Ethics: Discovering Right and Wrong*, Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.
- Sommers, C.H. (1986) *Right and Wrong: Basic Readings in Ethics*, New York: Harcourt Brace Jovanovich, Publishers.
- Titus, H.H. (1947) *Ethics for Today* (2nd edn), New York: American Book Company.